

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل آیدنولوژیک

داکتر سها
۱۶ اگست ۲۰۱۵

نقد قرآن

۷

هفت آسمان و عرش (تخت پادشاهی)

در قرآن به طور مکرر از هفت آسمان یاد شده است. مثلاً:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲) - طلاق

ترجمه: خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید. هفت آسمان طبقات بالای هم هستند

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ (۳) ملک

ترجمه: خداست کسیکه هفت آسمان را بصورت طبقات بالای هم خلق کرد

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵) نوح

ترجمه: مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه خدا هفت آسمان را ب صورت طبقات آفریده است. ۱۵

وجود آسمانهای هفت گانه که مسیر حرکت سیارات هفتگانه (شامل خورشید و ماه) به حساب می آمده است و همچنین

وجود عرش و کرسی (در قرآن آمده است) در دوره "جاهلیت" قبل از محمد رایج بوده است ۱ و محمد همان مفاهیم را

از محیط بدوی گرفته و وارد قرآن کرده است.

در سنت، این هفت آسمان مطبق و عرش به وضوح توضیح داده شده است. توجه کنید:

... -قال (الرسول) أتدرون كم بين السماء والأرض فقلنا الله ورسوله أعلم قال بينهما مسيرة خمس مائة سنة ومن كل سماء

إلى السماء التي تليها مسيرة خمس مائة سنة وكثف كل سماء مسيرة خمس مائة سنة وفوق السماء السابعة بحر بين أعلاه

وأسفله كما بين السماء والأرض ثم فوق ذلك ثمانية أوعال بين ركبهم وأظلافهم كما بين السماء والأرض ثم فوق ذلك

العرش ۱ - ج ۲۲۴ / بلوغ الأرب في معرفة احوال العرب للالوسی ۳ بين أسفله وأعلاه كما بين السماء والأرض والله تعالى

فوق ذلك ليس يخفى عليه من أعمال بنى آدم شيء). این حدیث در منابع متعدد با اندک تفاوتی

در عدد سال بین آسمانها آمده است از جمله: المستدرک علی صحیحین ۶۹، احادیث المختاره / ۲۳۱، سنن ابن ماجه ۱

/ ۲/۳۱۶، سنن ابی داوود ۳۷۵/۸/۴

ترجمه...: پیامبر گفت (به یارانش) آیا می دانید فاصله بین آسمان و زمین چقدر است؟ گفتیم خدا و رسولش آگاه ترند.

گفت بین آنها مسیر ۵۰۰ سال است و از هر آسمان به آسمان بعدی (فوقانی: سنن ابی داوود) مسیر ۵۰۰ سال است و

ضخامت (کثف) هر آسمان هم مسیر ۵۰۰ سال است و بعد از آسمان هفتم دریائی است که از کف تا سطح آن معادل

فاصله بین آسمان و زمین است. سپس بالای آن ۸ بز نر کوهی قرار دارند که فاصله بین سم و زانویشان مثل فاصله بین

آسمان و زمین است. سپس در بالای آن (بر پشت آنان: سنن ابی داوود) عرش قرار دارد که فاصله بین پائین و بالای آن معادل فاصله زمین تا آسمان است. و خدای تعالی در روی عرش قرار دارد و چیزی از اعمال بنی آدم از او پنهان نیست.

وجود هفت آسمان و این که تخت پادشاهی خدا (عرش) بر فراز آسمان هفتم قرار گرفته در محیط عربستان قبل از محمد هم مطرح بوده است چنانچه امیه بن ابی صلت شاعر جاهلی می گوید ۱:

بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب للالوسی ج ۲ له ما رأته عین البصیر و فوکه . هر آنچه چشم بینا می بیند از اوست و بالاتر از آن (سماء الاله فوق سبع سماء) آسمان خدا در بالای هفت آسمان (قرار گرفتن عرش بر روی آب در قرآن هم آمده است:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيُقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۷) هود

ترجمه: و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب است.

همچنین حمل عرش خدا توسط هشت موجود در قرآن آمده است:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۷) غافر

ترجمه: کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آنند به (سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند)-۷

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ (۱۷)-الحاقه

ترجمه: و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند و عرش پروردگارت را آن روز (هشت) [موجود] بر سر خود بر می دارند (

۱۷

قرار گرفتن خدا بر روی عرش در خود قرآن هم آمده است:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴) سجده

ترجمه: خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است (در شش روز آفرید آنگاه بر عرش قرار

گرفت) ۴

بنابراین از نظر محمد (قرآن و سنت) در بالای زمین هفت آسمان قرار دارند و سپس يك دریا و سپس هشت بز و سپس عرش و روی عرش خداست. محمد به جای آسمان هشتم، که در سیستم بطلمیوسی فلك ثوابت است، دریا و هشت بز و عرش را قرار داده است. واضح است که هفت آسمان مطابق با نظریه بطلمیوسی رایج در زمان محمد سازگار است، اما دریا و بزها و عرش در نظریه بطلمیوس نیست. علاوه بر نظریه بطلمیوس که تا حدودی بر مشاهدات بنیان نهاده شده بود، افسانه های آمیخته با مذهب نیز در قبل از محمد در مورد هفت آسمان وجود داشته

است. مثلاً در دین هندو هفت جهان بالا (آسمان) و هفت جهان زیرین وجود دارد ۱

همچنین در مصر باستان، وجود هفت آسمان پذیرفته شده بود ۲

به نظر می رسد محمد چیزهایی را از محیط گرفته و چیزهایی هم خودش به آن افزوده است. و می دانیم که همه اینها غلط است. اولاً:

چنانچه قبلاً گفتیم اصلاً آسمانی وجود ندارد که هفت عدد باشد. ثانیاً: بینیم فاصله هایی که محمد ارائه کرده جمعاً چه مقدار می شود:

۳۵۰۰=۷×۵۰۰ سال ضخامت آسمانها

۵۰۰×۷=۳۵۰۰ سال فاصله آسمانها

۵۰۰ سال عمق دریا

۵۰۰×۳=۱۵۰۰ سال ارتفاع بزها (ارتفاع هر بز ۴ برابر فاصله سه تا زانو در نظر گرفته شده است) ۵۰۰ سال ضخامت عرش مجموع ۹۵۰۰ سال می شود.

در بین مردم و مخصوصاً در گذشته رایج بوده و هست که فاصله ها را بر حسب زمان نه مسافت بیان کنند. مثلاً می گوئیم فاصله انگلستان تا امریکا مثلاً ۶-۷ ساعت است. بدین معنی که اگر با هواپیما این مسیر طی - شود این مدت طول می کشد. در زمان گذشته فاصله ها را بر حسب مسافتی که اسب یا قاطر و یا شتر می پیمود بیان می کردند. در احادیث فوق همین روش به کار برده شده است. با توجه به این که چهارپای اصلی مسافرتی در عربستان زمان محمد، شتر بود، این مسافت را مطابق زمان محمد، بر اساس مسافتی که شتر می پیماید محاسبه می کنیم:

حداکثر سرعت شتر ۶۰ کیلومتر در ساعت است و هر سال ۸۷۶۶ ساعت است. پس:

$$۵۲۵۹۶۰ = ۸۷۶۶ \times ۶۰ \text{ کیلومتر در سال می شود}$$

$$۴۹۹۶۶۲۰۰۰۰ \text{ کیلومتر} = ۵۲۵۹۶۰ \times ۹۵۰۰$$

یعنی از سطح زمین تا روی عرش ۴۹۹۶۶۲۰۰۰۰ کیلومتر می شود. با توجه به این که سرعت نور ۳۰۰۰۰۰۰ کیلومتر در ثانیه است:

$$۱۶۶۵۵ = ۴۹۹۶۶۲۰۰۰۰ / ۳۰۰۰۰۰ \text{ ثانیه نوری که معادل } ۴.۶ \text{ ساعت نوری می شود}$$

یعنی محمد عرض جهان آفرینش (غیر از خدا) را ۴.۶۱ ساعت نوری دانسته است. ولی بشر امروز تا میلیاردها سال نوری، ستارگان و کهکشانها را رصد کرده است و اثری از آسمانهای هفتگانه و اثری از دریا و بزها و عرش نیافته است. بنابراین گفته محمد غلط و اضحی بیش نیست، که ریشه در اساطیر و اندیشه های یونانی دارد.

خورشید و ماه در فلک خودشان حرکت می کنند

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۹) لقمان

ترجمه: آیا ندیده ای که خدا شب را در روز درمی آورد و روز را در شب درمی آورد و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است هر يك تا زمان معینی در حرکتند و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳) انبیا

ترجمه: او است آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در فلکی شناورند (۳۳)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰) يس

ترجمه: نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و (هر کدام در فلکی شناورند) ۴۰

پس هر کدام از ماه و خورشید در فلک مخصوص به خود حرکت می کنند.

طبری می گوید که در مورد معنی فلک، در سنت چیزی وجود ندارد و فلک در عرب به معنای هر شیء دایره ای می شود

یا دایره وار را گویند (تفسیر). ۲۳ / طبری ۱۷

با توجه به این که در ۶ آیت از ۷ آیتی که حرکت خورشید و ماه آمده، شب و روز نیز ذکر شده، پس منظور از حرکت

خورشید و ماه حرکتی است که به شب و روز مربوط می شوند. بنابراین منظور از این آیات اینست که ماه

و خورشید، هر يك در مسیری منحنی حرکت می کنند و طبعاً حرکت خورشید منجر به پیدایش روز می شود که غلطی

واضح است. این نظر محمد نیز با سیستم بطلمیوسی سازگار است.

حرکت خورشید برای ایجاد روز و شب در آیات و احادیث دیگری نیز آمده است. دقت کنید:

خورشید است که حرکت می کند و روز و شب را به وجود می آورد نه زمین.

در حکایت ذوالقرنین در قرآن آمده است:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (۸۳) إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۴) فَاتَّبَعَ سَبَبًا (۸۵) حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتَ مُعَذِّبٌ وَإِنَّمَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۶) قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا (۸۷) وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸) ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا (۸۹) حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سَبِيلًا (۹۰) كهف

ترجمه: و از تو در باره ذوالقرنین می پرسند بگو به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند (۸۳) ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله ای بدو بخشیدیم (۸۴) تا راهی را دنبال کرد (۸۵) تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید به نظرش آمد که [خورشید] در چشمه ای گل آلود و سیاه غروب می کند و نزدیک آن طایفه ای را یافت فرمودیم ای ذوالقرنین [اختیار با توست] یا عذاب می کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می گیری (۸۶)

گفت اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد سپس به سوی پروردگارش بازگردانیده می شود آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد (۸۷) و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند پاداشی [هر چه] نیکوتر خواهد داشت و به فرمان خود او را به کاری آسان و خواهیم داشت (۸۸) سپس راهی [دیگر] را دنبال کرد (۸۹) تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم (۹۰)

در حدیث هم این مطلب به وضوح ذکر شده است:

وعن أبي ذر كنت رديف رسول الله على الجمل فرأى الشمس حين غابت فقال يا أبا ذر أتدري أين تغرب هذه فقلت الله ورسوله أعلم قال فإنها تغرب (تفسير کشاف/ ۲۶۹۴ فی عین حامیه)

ترجمه: از ابوذر نقل شده که گفت من در ردیف پیامبر (بر چهارپایی) سوار بودم در حینی که خورشید غروب کرد. پیامبر گفت ای ابوذر آیا می دانی که خورشید در کجا غروب می کند. پس گفتم خدا و رسولش آگاهترند. پیامبر گفت خورشید در يك چشمه تیره غروب می کند.

طلوع خورشید از يك نقطه زمین و غروب آن در چشمه تیره يك تصور خام ابتدائی است که هر انسان ناآگاه، آن را با چشم می بیند. اگر در يك بیابان مسطح باشید مشاهده می کنید که خورشید در صبحگاه از نقطه ای بسیار دور، از زمین خارج می شود و در طول روز پهنه آسمان را به طور قوسی طی می کند. در هنگام غروب مخصوصاً در بیابانهای شنی عربستان، سرابی تیره مشاهده می شود که خورشید به تدریج در آن فرو می رود. این چیزی است که محمد و هر عرب دیگری از طلوع و غروب خورشید می دیدند و محمد همین توهم غلط ناآگاهانه را وارد قرآن کرده و به خدا نسبت داده است.

به هر صورت در آیات فوق شش غلط فاحش وجود دارند شامل:

اولاً و ثانیاً: خورشید يك محل طلوع و يك محل غروب دارد که هر دو غلط اند.

سوم: خورشید است که حرکت می کند و از مشرق زمین سر برمی آورد و در مغرب زمین در چشمه ای فرو می رود و شب و روز را به وجود می آورد که غلط است.

چهارم: غروب خورشید در چشمه تیره غلط است.

پنجم: لازمه ورود خورشید در چشمه ای تیره، برخورد خورشید با زمین است که اینهم غلطی واضح است.

ششم : لازمه اینگونه طلوع و غروب اینست که طلوع یا غروب در همه جای زمین در یکزمان اتفاق بیفتد. چون خورشید در یکزمان وارد چشمه تیره می شود. و برای هرکس در هر کجای زمین در هنگام غروب، خورشید وارد چشمه تیره می شود نه این که در پس قسمتهای دیگر زمین پنهان شده باشد. و لازمه این همزمانی، مسطح بودن کامل زمین است نه کروی.

چون در زمین کروی، محال است که در همه جا طلوع یا غروب در یکزمان اتفاق بیفتد. پس این آیات هم، غلط مسطح بودن زمین، که در آیات دیگری آمده اند، را تأیید می کند.

آیت دیگری که به وضوح حرکت خورشید در روز را تأیید می کند آیت زیر است:

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۴۵) فرقان

ترجمه: آیا ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است و اگر می خواست آن را ساکن قرار می داد آنگاه خورشید را بر آن دلیل گردانیدیم-۴۵

این آیه می رساند که دلیل حرکت سایه، حرکت خورشید است که تأیید مجدد حرکت خورشید است نه زمین.

لازم به ذکر است که بعضی معجزه تراشان گفته اند که منظور از حرکت خورشید در آیات مختلف، حرکت آن و کل منظومه شمسی در کهکشان است و این معجزه بزرگی است. اما این معجزه تراشی باطل است زیرا:

اول: در قرآن و سنت کوچکترین اشاره ای به حرکت در کهکشان نیست و اصلاً در قرآن و سنت مفهوم کهکشان نیز نیست چه رسد به حرکت در آن. و نمی توان با خیالبافی چیزی را به قرآن نسبت داد. قرآن صرفاً باید بر اساس خود قرآن و سنت فهم شود.

دوم: در بیشتر آیاتی که صحبت از حرکت خورشید شده، بحث حرکت خورشید همراه است با بحث روز و شب، که مؤید قطعی بر اینست که هدف محمد حرکت روزانه خورشید بوده است. مثلاً:

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰) يس

ترجمه: نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در فلکی شناورند (۴۰) يس
يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳) فاطر

ترجمه: شب را به روز درمی آورد و روز را به شب درمی آورد و خورشید و ماه را تسخیر کرده است [که] هر يك تا هنگامی معین در حرکتند. (۱۳)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵) زمر

ترجمه: آسمانها و زمین را به حق آفرید شب را به روز در می پیچد و روز را به شب درمی پیچد و خورشید و ماه را تسخیر کرد هر کدام تا مدتی معین روانند آگاه باش که او همان عزیز آمرزنده است (۵)

سوم: آیات ذوالقرنین فوق (و احادیث آن) به صراحت مؤید حرکت خورشید برای ایجاد شب و روز است.

چهارم: آیت ۳۸ يس (و احادیث مربوط به آن) که در عنوان بعدی بحث شده گفته که خورشید شبها در محلی مستقر می شود که اینهم تأیید صریح حرکت خورشید و پیدایش شب و روز از آن است.

ادامه دارد-----

1 Sushil Mittal, G. R. Thursby, The Hindu world , 2004, Routledge New York

2 Scott Leonard, Myths and Religion. p-330